



# قضاوت در اسلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطيب الطاهر

سفیر به یمن فرستاد، دستورالعمل صادره از آن حضرت، برای آن دو نفر چنین بود: بسرا ولا تعسرا، و بشرا و لانفرا، و تطاوعا و لا تختلفا، یعنی، ای سفیران من، بر مردم امور را آسان بگیرید و سختگیری نکنید، شما بشارت دهید و مردم را گریزان نسازید، و با آنها از باب توافق و تطوع، برخورد نمائید، نه از باب تشمت و اختلاف.

پس از ذکر این دو مطلب، به پژوهش درباره قاعده فقهی دره الحد به شبهه تا حدودی که این وجیزه اجازت دهد می نمائیم. یکی از قواعد مهم فقهی که مفهوم آن مورد تسالم همه فقهای اسلام واقع شده، که بر اساس این قاعده در صورت حدوث هر گونه شبهه ای، چه در مقام ثبوت برای مجرم و چه در مقام اثبات و قضاوت برای قاضی، حدود و مجازاتهای شرعی، ساقط می شود. همین قاعده دره الحدود بالشبهات می باشد. روح این قاعده، تسامح و تخفیفی است که شارع مقدس اسلام از نظر جزائی برای متهمین، قائل شده و تا حدودی تأمین کننده امنیت متهمان به جرم را فراهم نموده است و نیز حاکی از اهتمام مهمی است که اسلام به حرمت و شخصیت افراد ساده تابی دلیل و بدون اثبات جرم، مانع از مجازات و هتک حیثیت آنها شود. درباره این قاعده، فقها عظام - کثر الله امثالهم - چه از نظر اقسام مجازاتهای شرعی و چه از نظر اقسام شبهات، بحث نموده اند که ما ذیلاً به آن اشاره می نمائیم:

مجازاتها بر حسب نوع جرائم به چهار قسم است:  
۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات  
واژه هایی که در فقه به کار رفته است از قبیل حدود، تعزیر، قصاص، شبهه موضوعیه، شبهه حکمی، شبهه جهل، شبهه اکراه، شبهه قاضی، شبهه عامل

مهمتر می فرماید: «من احان علی قتل مسلم ولو بشطر جأ یوم القیامه و هو ایس من رحمة الله...» مستدرک الوسائل یعنی: کسی که کمک نماید در قتل مسلمانی، اگر چه با گفتن نیم کلمه باشد، در روز رستاخیز از رحمت خداوند متعال، ناامید خواهد شد.

دوم: دین مبین اسلام شریعت سهله سمحه است. در این باره خداوند متعال به صراحت می فرماید: «... و ما جعل علیکم فی الدین من حرج». و نیز می فرماید: «... یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر... یرید الله ان یخفف عنکم...» و نیز می فرماید: «... حق ندارید به گمان، درباره مسلمین حکم داده و نظر بدهید»، «اجتنبوا کثیراً من الظن، ان بعضی الظن اثم».

پیغمبر بزرگ اسلام (ص) می فرماید: «... ان المومن لا یتهم احاه...»، همانا مؤمن، برادر مؤمنش را متهم نمی کند که صراحتاً پیامبر اسلام (ص) نهی می فرمایند. و نیز حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «ضع امر اخیک علی احسنه، حتی یا تبیک ما یقلبک علیه و لا تظنن بکلمه خرجت من اخیک سوا و انت تجدلها فی الخیر سیلاً». یعنی، امر برادرت را به احسن وجه، حمل کن (و او به خوش بین باش) تا اینکه خلاف آن برای تو ثابت شود و گمان مبر، به کلمه ای که تو نسبت به او سوء ظن پیدا نمائی، در حالی که می توانی، خیر و خوبی برای او در نظر بگیری (و راه حسن ظن وجود دارد) این گمان را حق نداری درباره او اعمال کنی...»

بهترین دلیل، دستور صریح حضرت پیامبر بزرگ اسلام (ص) در اوائل بعثت است، در آن هنگام که آن حضرت، معاذبن جبل و ابوموسی اشعری را به صورت

قال رسول الله (ص): «ادراوا الحدود بالشبهات...» (وسائل الشیعه جلد ۲۸ ص ۴۷ باب انه لا یمین فی و ان الحدوده تدرأ بالشبهات) حدیث ۴. برای توضیح این حدیث شریف دو مطلب را باید متذکر شد:

اول- در قسمتهای قبلی گفتیم که اسلام برای انسانها، فوق العاده، ارزش و منزلت قائل است، طبق آیه کریمه قرآن انسان را خلیفه و جایگزین الهی دانسته... «انی جاعل فی الارض خلیفه» بقره آیه ۳۰ و لقد کرمتا بنی آدم و سخر لکم ما فی السماوات و ما فی الارض جمیعاً» سوره جاثیه آیه ۱۳.

با اینکه پیغمبر معصوم است و علوم اولین و آخرین را می داند و نیازی به مشورت ندارد، در عین حال، خداوند متعال از جهت تکریم و شخصیت دادن به مسلمین، به پیغمبرش امر می کند که با آنها در امور مشورت کن، «و شاورهم فی الامر...» سوره آل عمران آیه ۱۵۶. و نیز خداوند متعال قتل انسانی را بدون جهت شرعی و قانونی، به مثابه کشتن جمع انسانها دانسته... «من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً» سوره مائده، آیه ۹۳ و نیز می فرماید... «من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها» سوره نساء آیه ۹۳.

پیغمبر بزرگ می فرماید: «... والذی نفسی بیده لو اشترک فی قتله اهل السماوات و الارض لا کبیم الله فی النار...». به خدائی که جان من در قبضه قدرت او است، اگر اهل آسمانها و مردم روی زمین، در کشته شدن آن بیگناه (انسان بیگناه)، شرکت داشته باشند، همه آنها را خداوند، به روی، در آتش خواهد افکند. باز پیغمبر اسلام (ص) در جای دیگری از اینهم

عبارت است از مجازات بدنی، مصرح در قانون شرع، مانند: مجازات زناکار و شارب خمر و قاذف و غیره، (جواهر الکلام، جلد ۴۱، ص ۲۵۴).

شبهه به معنی (اشتباه)، پوشیدگی کار و مانند آن کاری که در آن حکم به صواب و خطا نکند (فرهنگ بزرگ جامع نوین، ص ۹۲۹). در لسان العرب ص ۵۰۴ چنین آمده: امور مشتبهه و شبهه مشکله شبهه بعضها بعضا و شبه علیه، اختلاط علیه الامر حتی اشتبهه بغیره. امور مشتبهه و مشکلی که امر را بر انسان مشتبه می کند (یعنی تشخیص حق از باطل و صحیح از ناصحیح و سقیم از سالم).

سئوالی که در اینجا بذهن تبادر می کند این است که این حدیث شریف کدام حدود را شامل می شود. در جواب می گوئیم که تمام مجازاتهای شرعی را شامل می شود. چون، الشبهات جمع محلاهی به الف و لام است و الف و لام استغراقی است و بای در بالشبهات هم سببه است، پس شامل تمامی مجازاتهای شرعی می شود، چه در شبهات حکمی (اشتباه در حکم) و چه در شبهات موضوعیه (اشتباه موضوعی) و چه شبهه از ناحیه عامل و مرتکب جرم، باشد و چه عروض شبهه برای حاکم.

اگر آیت . . . عبدالکریم موسوی اردبیلی در فقه الحدود و التعزیرات، ص ۸۲، صراحتاً می فرمایند: منظور از شبهه، شبهه ای است که برای عامل پیش آید نه برای حاکم و قاضی. بنظر می رسد که اگر قائل شویم، مراد و مقصود از حدیث شریف شبهه ای است که برای حاکم و قاضی پیش می آید، بصواب نزدیکتر است. به دلیل اینکه اولاً، حاکم و قاضی است که حکم به اجرای حدود می نماید، پس باید، مخاطب او باشد ثانیاً، فقها عظام (ره) در کتب فقهی که درباره حدیث در حد به شبهه بحث می کنند، لحن و بیان مطلب طوری است که استنباط می شود، مخاطب «اد رگو» قضات و حاکمین شرع هستند. بعنوان نمونه، مرحوم امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله، جلد ۲، ص ۴۱۶، چنین می فرمایند: «لو شهد اربعة بالزنا و كانوا غیر مرضیین کلهم او بعضهم . . . یعنی اگر شهود چهارگانه، همگی یا بعضی از آنها افراد صالحی نباشند، حد قذف درباره آنها جاری می شود و اگر وضعیت شهود مخفی بوده و عدالت و فسق آنان ثابت نشده، بر آنها حد جاری نمی شود. چون، در اینجا شبهه داره، وجود دارد. این مسئله مصادیقی از مصادیقی است که شبهه صرفاً برای قاضی حادث شده باشد و در اینجا اگر قائل شویم که خطابات شارع عام و کلی است، بطوری که قضیه حقیقه انشأ شده و نظر به صنف خاصی از مخاطبان نیست و همه اطراف و صنوف را در حال و آینده شامل می شود، بلحاظ اینکه شارع مقدس موضوع مقدر الوجود را در نظر می گیرد و حکم را بر طبیعت موضوع بار می کند، بصواب و حق نزدیکتر بنظر می رسد. بنابراین، جمله «ادروا الحدود بالشبهات» شبهه در این جمله اعم از این است که از ناحیه قاضی یا عامل یا شبهه حکمی یا موضوعیه و امثال اینها باشد، همه را شامل می شود.

البیت (ره) ادعای تواتر حدیث مزبور را نموده است. عبارت آن مرحوم چنین است «الاولی التمسک بعصمة الدم الا فی موضع یقین عملاً بالنص التواتر بدفع الحد بالشبهات».

مرحوم آیت . . . العظمی خوئی (ره) در مبانی تکلمة المنهاج، جلد ۱، ص ۱۷۱، مسئله ۱۳۶، چنین فتوی داده اند: «اذا دعت المرأة الاکراه علی الزنا قبلت: زنا در صورت وجود شرائط مجازاتش حد است (صد ضربه شلاق). . . مرحوم آقای خوئی می فرمایند که اگر زنی ادعای اکراه بر زنا نمود، از او پذیرفته می شود. شارح مبانی در ذیل آن می گوید: «ذلک لالاجل ان الحدود تدره بالشبهات»، می فرماید: از باب دره، حد به شبهه نیست، بلکه از جهت عدم ثبوت زنا می باشد. بعداً، روایتی را از امام صادق که آن حضرت علی (ع) نقل می فرمایند، ذکر می کند. مرحوم آیت العظمی خوئی (ره) در مبانی تکلمة، ج ۱، ص ۱۶۹، مسئله ۱۳۴، می فرماید: «المراد بالشبهه الموجبه لسقوط الحد: هو الجهل عن قصور او تقصیر فی المقدمات مع اعتقاد الحلیة حال الوطی». و نیز مرحوم امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله، جلد ۲، ص ۴۲۶، مسئله پنج، می فرمایند: لو قال «ولد تک امک من الزنا» فالظاهر عدم ثبوت الحد. . . بعداً، در ادامه می فرمایند: ففی مثله تحصل الشبه الدارته.

و نیز مرحوم صاحب جواهر در جلد ۲۹ از صفحه ۲۴۳ به بعد درباره وطی به شبهه مسائل مربوطه به آن که مفصلاً وارد بحث شده، در ص ۲۴۸، چنین بیان می کند: «و فی محکی الخلاف اذا وجد الرجل امرأة علی فراشه فظنها امراته فوطأ لم یکن علیه الحد. . .». دلیل آنرا در پاورقی صفحه، روایتی در بحار، ج ۲۹، ص ۱۳۰، از حضرت امیرالمومنین (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «. . . ادراوا الحدود بالشبهات»، دور کنید، حدود را بوسیله شبهه و نیز مرحوم شهید در لمعه، ج ۲، ص ۳۲۹، صراحتاً می فرماید: «. . . فلو تزوج الام ای ام المتزوج او المحصنه المتزوجه بغیره طاناً، الحل، لقریب عهده من الجوسیه و نحوها من الکفرا او سکنه یادیه بعیده عن احکام الدین فلاحد علیه الشبهه و الحدود تدر بالشبهات»، در اینجا مشاهده می شود که حد از او ساقط می شود و دلیلش هم در دره الحد به شبهه می باشد. درباره واژه دره الحد، لازم است که مختصری توضیح داده شود.

ادرو، از ماده درأ: به معنی دفع کردن و دور کردن است (فرهنگ بزرگ جامع نوین ترجمه المنجد ص ۵۴۳) وقتی گفته می شود درأت الحد عنه، یعنی، حد را از او دور کردم. ادروا= صیغه امر است. حدود، جمع حد و لغتاً بنا به آنچه در المنجد آمده، الفصل السنین لثلاثه مختلط احد هما بالاخر اول ثلاثه یعنی حدیثی که در آن حدیثی منها . . . یعنی حائل بین دو چیز، بازدارنده، انتها، خاتمه، پایان، حدود، مرز، کنار، حاشیه اندازه کرده (فرهنگ بزرگ جامع نوین، ص ۳۲۶). و در اصطلاح فقها،

جرم، تخفیف و تسامح، اصل برائت، اصل اباحه، اصل طهارت، اصل صحت، جهل قصوری، جهل تقصیری، دره الحد بالشبهه و امثال اینها که در جای خودش، مفصل مورد بحث و کنکاش قرار گرفته و ما قبلاً به مقدار لازم مورد بحث قرار داده ایم و اینک درباره موضوع مانحن فیه وارد بحث می شویم.

قوانین کیفری اسلام بر دو بخش است: بخشی از آن در رابطه با حقوق الهی و جامعه است. و دیگر بخش مربوط به افراد حقیقی و اشخاص می باشد. قوانین کیفری اسلام در قسمت نخست مبنی بر تخفیف و تسامح است. آقای محمد ابوزهره در مقدمه کتاب العقوبه فی الفقه الاسلامی، حدیثی را از پیغمبر اکرم (ص) نقل می کند که قابل توجه است: «ایها الناس من ارتکب شیئاً من هذه القادورات فاستتر فهو فی ستر الله و من ابدی صفحته اقمنا علیه الحد».

ای مردم، هر کسی مرتکب چیزی از این پلیدیها شده و آن را پوشیده نگاه دارد، پس او در پوشش و مخفی گاه خداوندی می ماند (یعنی سعی کنید گناه را پنهان کنید و آشکار ننمایید) و هر کس آن را آشکار سازد بر او حد جاری می کنیم. این حدیث شریف که به صراحت، اعلام عدم علنی بودن گناه از ناحیه مجرم می نماید، می خواهد زمینه اجرای حد را از بین ببرد. قهراً، آنجائی که زمینه اجرای حد را فراهم می نماید، جائی است که مرتکب، حرمت اجتماع مسلمین را رعایت ننموده و آشکارا مرتکب گناه می شود و قاعده در حد به شبهه برای قاضی از موارد مهمی است که اسلام در جای خودش در نظر گرفته است. مرحوم شیخ صدوق در کتاب من لایحضر الفقیه باب نوا در الحدود، اصل حدیث را چنین نقل می کند: قال رسول اله (ص): «درئوا الحدود بالشبهات و شفاعه و لاکفاله و لایمین فی حد». پیامبر اسلام (ص) می فرماید: دور کنید حدود را با شبهات، در اجرای حد، شفاعت و کفالت و سوگند پذیرفته نمی شود. و نیز راوی فوق (ره) در المقتض از حضرت علی (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «. . . ادروا الحدود بالشبهات. . .». صاحب صحیح ترمذی در ابواب الحدود باب ۲ نقل می کند که عایشه به نقل از پیامبر بزرگ اسلام چنین فرمود: «ادره الحدود عن المسلمین ما استطعتم فان کان له مخرج فخلوا سبيله فان الامام ان یخطی فی العفو خیر من یخطی فی العقوبه». یعنی حدود را هر اندازه می توانید از مسلمانان دور کنید، پس اگر راه گریز و دوری از اجرای حد برای مجرم یافتید رهایش کنید. چون اگر پیشوا و امام مسلمین در عفو و بخشش خطا کند، بهتر است از اینکه در مجازات خطا نماید.

تمامی فقها اسلام حدیث «ادره الحدود بالشبهات» را قبول داشته و به آن عمل نموده و بر اساس آن فتوا داده اند. اگر چه سند روایات فوق الذکر از نظر روایی اشکال دارد، اما عمل فقها و شهرت عملی، جبران ضعف سند را نموده و حجت نموده است. به اضافه اینکه آقای محمد بجنوردی به نقل از قواعد فقیهه از قول مرحوم صاحب ریاض نقل می کند که آن فقیه اهل